



Analyzing the Obstacles and Problems of Rural entrepreneurship Development in Cooperative and Agricultural Companies

Reza Norouzi Ajirloo^{1*}, Moslem Soleymanpor², Javad Asghari Rad³ and Mohammadkarim Raesi⁴

Article history: Submitted: 13 May 2023 Revised: 23 February 2024 Accepted: 12 March 2024 Available Onlin: 12 March 2024	How to cite this article: Norouzi Ajirloo, R., Soleymanpor, M., Asghari Rad, J., and Raesi, M.K. 2024. Analyzing the Obstacles and Problems of Rural entrepreneurship Development in Cooperative and Agricultural Companies Rural Development Strategies, 11(2): 174-191 DOI: 10.22048/rdsj.2024.397143.2099
---	---

Abstract

Cooperative and agricultural companies active in villages have a capacity to empower villagers and develop sustainable employment, which can be effective in increasing production, raising income levels, and improving people's social status. The current research was conducted with the aim of analyzing the obstacles and problems of rural entrepreneurship development in cooperative and agricultural companies. The research was conducted qualitatively and with an interpretive phenomenological approach. The statistical population of the research is managers and entrepreneurial experts of cooperative and agricultural companies in 1401, who were selected using targeted sampling of 25 people until reaching data saturation. In order to collect data, a semi-structured in-depth interview was used, and Smith et al.'s phenomenological analysis method was used to analyze the data. Based on data analysis, a total of 105 primary codes, 12 components and 5 main dimensions were extracted and classified. The results indicated that the obstacles and problems of rural entrepreneurship development in cooperative and agricultural companies consisted of 5 cultural dimensions, organizational structure, entrepreneurship support, technical and managerial structure. This research confirms that the lack of management skills has a positive effect on the failure of cooperative and entrepreneurial agricultural companies, which are mostly run by owners who have little knowledge of management, which leads to business failure. Also, the results show that the lack of proper infrastructure development in the country is also the reason for the failure of cooperative and agricultural companies. It is suggested that managers of agricultural and cooperative companies increase their knowledge and management skills by participating in workshops and seminars.

Keywords: rural development, rural entrepreneurship, cooperative and agricultural companies, phenomenological study

1 - Assistant Prof., Department of Business Management, Payame Noor university, Tehran, Iran

2 - Assistant Prof., Department of Business Management, Payame Noor university, Tehran, Iran

3 - Assistant Prof., Department of politics, Payame Noor university, Tehran, Iran

4 - Assistant Prof., Department of Geography and Rural Planning, Payame Noor university, Tehran, Iran



Corresponding Author: Rezanorouzi20@pnu.ac.ir

© 2022, University of Torbat Heydarieh. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).

مقاله پژوهشی

واکاوی موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی روستایی در شرکتهای تعاونی و کشاورزی

رضا نوروزی اجیرلو^{۱*}، مسلم سلیمان پور^۲، جواد اصغری راد^۳ و محمدکریم رئیسی^۴

تاریخ دریافت: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۴ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۲ اسفند ۱۴۰۲

چکیده

شرکتهای تعاونی و کشاورزی فعال در روستاها، ظرفیتی درجهت توانمندسازی روستائیان و توسعه اشتغال پایدار می‌باشند که می‌توانند در افزایش تولید، ارتقای سطح درآمد و بهبود وضعیت اجتماعی مردم مؤثر باشند. پژوهش حاضر باهدف واکاوی موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی روستایی در شرکتهای تعاونی و کشاورزی انجام گردید. تحقیق به‌صورت کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی تفسیری انجام شد. جامعه آماری تحقیق مدیران و کارشناسان کارآفرین شرکتهای تعاونی و کشاورزی در سال ۱۴۰۱ می‌باشند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند ۲۵ نفر تا حد رسیدن به اشباع داده انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها از مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته و جهت آنالیز داده‌ها از روش تحلیل پدیدارشناسی اسمیت و همکاران استفاده گردید. بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، در مجموع ۱۰۵ کد اولیه، ۱۲ مؤلفه و ۵ بعد اصلی، استخراج و طبقه‌بندی شدند. نتایج بیانگر آن بودند که موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی روستایی در شرکتهای تعاونی و کشاورزی مشتمل بر ۵ بعد فرهنگی، ساختار سازمانی، حمایت‌های کارآفرینی، ساختار فنی و مدیریتی بود. این پژوهش تأیید می‌کند که عدم مهارت‌های مدیریت تأثیر مثبتی بر شکست شرکتهای تعاونی و کشاورزی کارآفرینی دارد که اکثراً توسط مالکانی اداره می‌شوند که دانش کمی از مدیریت دارند که منجر به شکست کسب‌وکار می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که عدم توسعه مناسب زیرساخت‌ها در کشور نیز عامل شکست شرکتهای تعاونی و کشاورزی است. پیشنهاد می‌گردد مدیران شرکتهای تعاونی و کشاورزی سطح دانش و مهارت‌های مدیریت خود را با شرکت در کارگاه‌ها و سمینارها افزایش دهند.

کلمات کلیدی: توسعه روستایی، کارآفرینی روستایی، شرکتهای تعاونی و کشاورزی، مطالعه پدیدارشناسی

۱ - استادیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲ - استادیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳ - استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۴ - استادیار، گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(* - نویسنده مسئول: Rezanorouzi20@pnu.ac.ir)

مقدمه

تولیدکنندگان محصولات کشاورزی اساساً کارآفرین هستند زیرا برای دستیابی به نتایج مثبت تجاری ریسک می‌کنند. همچنین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی به صورت فردی یا گروهی با تفکر خلاق و نوآوری نتایج خود را هم در تولید اولیه کشاورزی و هم در گسترش کارآفرینی در زمینه‌های مختلف افزایش می‌دهند (استوفانیچ و همکاران^۱، ۲۰۱۲). اساس کارآفرینی کشاورزی خلاقیت، نوآوری، سودآوری و مدیریت ریسک تولیدکنندگان محصولات کشاورزی است (نگومیر^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). کشاورز به عنوان یک کارآفرین کوچک بازار، حرکات و تغییرات قیمت را دنبال می‌کند و مطابق با بازار سیاست تجاری خود را ایجاد می‌کند. این بدان معنی است که کشاورز باید محصولاتی را که کمبود در بازار وجود دارد، اما تقاضای زیادی برای آنها وجود دارد، کشت کند.

شرکت‌های تعاونی کشاورزی هم نوعی از شرکت‌های کشاورزی است. این تعاونی‌ها یک اهرم مناسب برای توسعه اقتصادی به شمار می‌آیند که می‌توانند در افزایش تولید، ارتقای سطح درآمد و بهبود وضعیت اجتماعی مردم مؤثر باشند (رضایی، ۱۳۹۳). شرکت‌های تعاونی به جهت قائل شدن نقش فعال و مشارکت دادن اعضای خود در همه مراحل، به کانون‌های اصلی تبلور مشارکت اشتها یافته‌اند. تعاونی‌ها امکانات و ظرفیت‌های زیادی در فراهم ساختن شرایط پایدار اقتصادی دارند که موجب شده بخش قابل توجهی از اقتصاد جهانی محسوب شوند و تأمین‌کننده توسعه پایدار باشند (سرمدست، ۱۳۹۰).

تعاونی‌های کشاورزی و صنعتی در تحقق برنامه‌های توسعه کشور، نقش مهمی ایفا می‌کنند و باعث رشد و بالندگی

قطب تولیدی بخش کشاورزی و صنعتی و شکوفا شدن استعدادهای بالقوه این بخش در کشور می‌شوند (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۶). در زمان حاضر، اهمیت ایجاد اشتغال با توجه به جمعیت و نرخ رشد بیکاری و نقش اقتصادی تعاونی‌ها در کنار ارزش‌های انسانی تعاون همچون عدالت، انصاف، همبستگی، مشارکت اعضا، لزوم بذل و توجه دقیق‌تر در زمینه ایجاد تعاون و اشتغال‌زایی را بدیهی می‌سازد (رسولی آذر و همکاران، ۱۳۹۵). تضمین پایداری بلندمدت بنگاه‌های روستایی مستلزم توسعه قابلیت‌ها و شایستگی‌های خاصی از سوی جوانان است که در این میان شایستگی‌های کارآفرینی از مهم‌ترین آنهاست (الاتیر^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). علاوه بر این، توسعه جوانان روستایی نوآور در مدیریت، بازاریابی و تجارت احتمالاً همراه با گنجاندن زندگی کاری که انتظار می‌رود ادامه یابد، رشد می‌کند. ضمن اینکه توسعه کارآفرینی روستایی می‌تواند عمیقاً تحت تأثیر توجه دقیق به تنوع تجربیات به دست‌آمده توسط جوانان در تعاونی‌های کشاورزی باشد. اگر جوانان روستایی با شایستگی‌های کارآفرینی توانمند شوند، قصد آنها برای ایجاد کسب‌وکار در مناطق روستایی تقویت می‌شود (بویچو^۴ و همکاران، ۲۰۲۱).

رشد کارآفرینی بنگاه‌های کوچک و متوسط با محیط کسب‌وکار مرتبط است. اگر محیط کسب‌وکار امیدوارکننده نباشد، رشد بنگاه‌های کوچک محدود می‌شود (هررا و کوامه^۵، ۲۰۱۷). چاری و ایگو^۶ (۲۰۱۶) محیط کسب‌وکار را مجموعه‌ای از شرایط، سیاست‌ها و استراتژی‌هایی تعریف کرد که باعث رشد شرکت‌ها و ایجاد شغل می‌شود. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تأکید

3- Elattir

4- Bouichou

5- Herrera and Kouame

6- Charity & Igwe

1- Stefanovic

2- Njegomir

پشتیبانی تبیین شده است. نمی‌توان نقش عمده‌ای را که شرکت‌های کوچک و متوسط صنایع غذایی و کشاورزی در توسعه و رشد اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته ایفا می‌کنند انکار کرد (آیاگاری و همکاران^۵، ۲۰۰۷؛ دی و ناگارج^۶، ۲۰۱۴). توسعه صنایع غذایی به افزایش تولید مواد غذایی، کاهش وابستگی ملی به واردات، صرفه‌جویی در ارز خارجی، افزایش ارزش افزوده به تولیدات مزرعه با افزایش اهمیت و جایگاه آنها در مصرف محلی کمک می‌کند (سادیکی^۷ و همکاران، ۲۰۲۰).

روستاها مملو از فرصت‌های شغلی جدید و کشف نشده‌ای هستند که بهره‌برداری از این فرصت‌ها می‌تواند مزایای اقتصادی چشمگیری برای روستائیان به همراه آورد. شرکت‌های تعاونی و کشاورزی فعال در روستاها، ظرفیتی درجهت توانمندسازی روستائیان و توسعه اشتغال پایدار می‌باشند که می‌توانند در افزایش تولید، ارتقای سطح درآمد و بهبود وضعیت اجتماعی مردم مؤثر باشند. شرکت‌های کوچک و متوسط کارآفرین در عرصه کشاورزی بیشتر از مواد خام محلی استفاده می‌کنند، اشتغال ایجاد می‌کنند، راهی برای خوداشتغالی فراهم می‌کنند (اوکون و ادت^۸، ۲۰۱۶). از طریق این شرکت‌ها، افراد می‌توانند از سرمایه کمی برای تأمین مالی فعالیت‌های خود نسبت به فعالیت‌های بزرگ‌تر استفاده کنند (چیروا^۹، ۲۰۰۸). باین‌حال، شرکت‌های تعاونی حوزه کشاورزی با چالش‌هایی مانند کمبود زیرساخت، فقدان آموزش مدیریتی، نیروی کار غیرماهر، سیستم حمل‌ونقل، عدم دسترسی به منابع مالی و قوانین کسب‌وکار مواجه هستند. لذا وجود نوعی تضاد در بحث توسعه کارآفرینی شرکت‌های تعاونی و کشاورزی فعال در روستاها و وجود موانع و

می‌کند که درک مناسب از پیوند بین استراتژی‌های کارآفرینی بنگاه‌های کوچک و متوسط و جنبه‌های توسعه به نتیجه بهتری منجر می‌شود (خان^۱، ۲۰۲۲). بیگز^۲ (۲۰۰۲) اظهار داشت که محیط کسب‌وکار اقتصادهای مختلف عواملی را نشان داده است که از رشد کارآفرینی بنگاه‌های کوچک و متوسط جلوگیری می‌کند. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، کارآفرینی فرآیند خلق اثری بالارزش از طریق راه‌اندازی یک کسب‌وکار با اختصاص دادن زمان و تلاش لازم و در نظر گرفتن ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی به‌منظور رسیدن به رضایت شخصی، پاداش مالی و ارضای نیاز استقلال طلبی است (لرنر و همکاران^۳، ۲۰۱۸). توسعه کارآفرینی منجر به عملکرد کارآفرینانه (تأسیس شرکت و ثروت آفرینی)، پیامدهای کارآفرینی (کاهش فقر و رشد اقتصادی) و افزایش سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز و پربازده برای کل اقتصاد می‌شود که نتیجه آن تخصیص بهینه منابع و افزایش بهره‌وری در کل اقتصاد است (باصولی و همکاران، ۱۳۹۸).

توسعه کارآفرینی روستایی به معنای فرآیند تشویق کشاورزان کارآفرین، کمک مدیریتی و فنی به کارآفرینان روستایی، حمل‌ونقل روستایی، خدمات ارتباطی و اطلاعاتی روستایی و مدیریت منابع طبیعی است (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۳). آنچه برای تعریف مقوله کارآفرینی روستایی بکار می‌رود عبارت است از به‌کارگیری نوآورانه منابع و امکانات روستا در راستای شکار فرصت‌های کسب‌وکار (رابرت و استرانگ^۴، ۲۰۰۴).

برنامه‌های اجراشده توسط دولت برای حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط کشاورزی برای ارائه تولید اولیه و خدمات

5- Ayyagari

6- De & Nagaraj

7- Sadiki

8- Okon, N. B., & Edet

9- Chirwa

1- Khan

2- Biggs

3- Lerner

4- Robert & Sternberg

کارآفرین است. قوانین و مقررات سختگیرانه مؤسسات مالی و دولت‌ها در رابطه با وام، مالکان را از جستجوی سرمایه برای تجارت خود منصرف می‌کند. در گذشته، عدم حمایت دولت از بنگاه‌های کوچک و متوسط وجود داشت. نرخ تورم در کشور تأثیر منفی بر کسب‌وکار کارآفرینی بنگاه‌های کوچک و متوسط دارد. اگر هر کشوری با دوره تورم مواجه شود، مردم آن از خرید کالاها و خدمات اجتناب می‌کنند زیرا نرخ تورم بر قدرت خرید آن‌ها تأثیر می‌گذارد. از این‌رو، وضعیت اقتصادی کشور به‌طور قابل‌توجهی بر عملکرد شرکتهای کوچک و متوسط کارآفرین تأثیر می‌گذارد. اهمیت این مطالعه در شناسایی موانعی است که بر عملکرد شرکتهای کوچک و متوسط کارآفرین در پاکستان تأثیر می‌گذارد.

بوچیو و همکاران^۲ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با «عنوان قصد کارآفرینی در میان جوانان روستایی در تعاونی‌های کشاورزی مراکش: آینده کارآفرینی روستایی» بیان کردند که قصد کارآفرینی در بین جنس مذکر که مدرک تحصیلی ندارند، به‌طور معنی‌داری برتر است. فارغ‌التحصیلانی که چنین فرصت‌های شغلی را انتخاب می‌کنند ترجیح می‌دهند در عوض فرصت‌های شغلی در بخش دولتی و کشورهای خارجی را کشف کنند. روحیه کارآفرینی در فارغ‌التحصیلان جوان مدت‌هاست که در طیف گسترده‌ای از زمینه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. مطالعه مشابهی که در مورد آموزش کارآفرینی برای فارغ‌التحصیلان انجام شد، نشان داد که بین تحصیلات و نوع فرصت‌های شغلی موجود در بازار کار ناهم‌انگهی وجود دارد. و موانع اصلی برای اهداف مثبت کارآفرینی برای بسیاری از اعضای جوانان تعاونی‌ها ناشی از عدم دسترسی به بودجه و پیچیدگی سیستم کمک مالی است. باین‌حال، فقدان وثیقه، بسیاری از جوانان را از دریافت کمک مالی از مؤسسات مالی بازمی‌دارد. به همین ترتیب، برای

مشکلات کارآفرینی در این حوزه، توسعه کارآفرینی به‌راحتی پیش نمی‌رود. بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی در حوزه کارآفرینی شرکتهای تعاونی و روستایی بدون صرف زمان لازم جهت شناسایی دقیق موانع مؤثر بر این حوزه صورت گرفته است که موجب شده، در عمل نتیجه قابل‌ملاحظه‌ای به همراه نداشته باشد؛ بنابراین هدف اصلی این پژوهش تحلیل موانع کارآفرینان روستایی فعال در بخش تعاونی و کشاورزی می‌باشد.

سادیکی و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیق خود با عنوان موانع و عملکرد شرکتهای کشاورزی: شواهدی از جنوب کیوو شرقی جمهوری دموکراتیک کنگو بیان کردند که یکی از موانع اساسی مشارکت کمتر زنان در مالکیت و مدیریت شرکت می‌باشد. دسترسی به منابع مالی همچنان مانع اصلی همه شرکتهاست. کمبود برق، هزینه حمل و نقل و کمبود تجهیزات به‌عنوان موانع شدید و متوسط تلقی می‌شود. تحلیل واریانس نشان می‌دهد که شرکتهای شهری نسبت به شرکتهای روستایی می‌توانند حاشیه سود بیشتری تولید کنند. این نتایج برای سیاست‌گذاران برای ترویج بخش غذا و تجارت کشاورزی به‌منظور کاهش فقر و امکان رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط مانع اساسی می‌باشد.

خان^۱ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای با عنوان موانع رشد و راه‌حل‌های بالقوه کارآفرینی بنگاه‌های کوچک و متوسط در حال ظهور بیان کردند که چندین مانع بر عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط کارآفرین تأثیر می‌گذارد. عواملی که باعث شکست بنگاه‌های کوچک و متوسط کارآفرین می‌شوند شامل موانع اقتصادی، زیرساخت‌ها، مدیریت و فساد هستند. کمبود بودجه برای راه‌اندازی یا تأسیس بنگاه‌های کوچک و متوسط کارآفرین جدید مانع اصلی موفقیت کارآفرینی این شرکت‌ها است. نرخ بالای بهره‌وامها و الزامات وثیقه تحمیل‌شده توسط مؤسسات مالی در برابر وامها، مانع اصلی رشد شرکتهای کوچک و متوسط

راه اندازی یک کسب و کار، یک جوان به منابع مالی متعددی از جمله تأمین مالی بدهی، یارانه‌های دولتی و تأمین مالی شخصی نیاز دارد.

ننگوماشا (۲۰۱۸) در پژوهشی خود با موضوع «اهداف کارآفرینی و دسترسی درک شده به منابع مالی: نقش خودکارآمدی کارآفرینی» نشان داد که برای تبدیل رویای خود به واقعیت، یک فرد باید بر مشکلات در دسترسی به امور مالی غلبه کند. کمبود منابع مالی مانعی است که به دلیل محدودیت‌های مالی بر انتخاب شغلی ترجیحی آینده جوانان تأثیر می‌گذارد.

پناهی و همکاران (۱۳۹۵) در موضوعی با عنوان بررسی موانع کارآفرینی در مناطق روستایی شهرستان مرودشت در جهت کاهش بیکاری بیان کردند دو دسته عوامل در راه توسعه کارآفرینی در این مناطق نقش دارند. یک دسته مربوط به عوامل درونی موجود در روستا و دسته دوم مرتبط به عوامل کارکرد نظام اقتصادی (تورم رکودی) می‌گردد که مشکلات زیادی را برای توسعه کارآفرینی ایجاد نموده است.

دهمرد و داورپناه (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان تحلیل موانع کارآفرینی روستایی در شهرستان زابل بیان کردند هشت عامل اکتشافی مربوط به موانع کارآفرینی در روستاهای شهرستان زابل عبارت‌اند از موانع اقتصادی، موانع نهادی، موانع زیرساختی، موانع علمی و آموزشی، موانع توسعه‌ای، موانع فنی، موانع اجتماعی و موانع ابزاری، که این عوامل ۵۶ درصد از واریانس کل را تبیین نمودند. تأثیرگذارترین موانع به ترتیب ضعف در شبکه بازاریابی (با میانگین ۴/۸۲)، عدم امنیت سرمایه‌گذاری منطقه موردنظر (با میانگین ۴/۷۴)، دور بودن از مرکز توجهات (با میانگین ۴/۴۹)، هزینه‌های سربار به دلیل بعد زیاد مسافت جهت تأمین مواد اولیه (با میانگین ۴/۴۷)، دور بودن

از بازارهای اصلی (با میانگین ۴/۱۸)، عدم وجود زیرساخت‌های تولیدی (با میانگین ۴/۱۳) و ضعف مراکز آموزشی در توسعه علم و فناوری (با میانگین ۴/۰۸) بودند. از این رو به منظور به کارگیری ظرفیت‌های موجود می‌توان با کمک دانشگاه‌ها و نخبگان علمی منطقه نسبت به برآوردن نیازهای علمی و آموزشی در حوزه کارآفرینی مرتبط با کسب و کارهای منطقه اقدام نمود.

اشراقی سامانی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان چالش‌های کارآفرینی روستایی در استان ایلام عنوان کردند پنج عامل در قالب موانع اقتصادی، سیاسی، آموزشی، اجتماعی و فرهنگی ۶۲/۸۲ درصد از واریانس کل را تبیین نمودند. همچنین موانع اقتصادی به عنوان عامل اول با مقدار ویژه ۵,۰۳۵ بیشترین سهم (۲۲/۳۱ درصد) و موانع فرهنگی با مقدار ویژه ۱,۴۸۴ کم‌ترین سهم (۵/۴۸ درصد) را در تبیین واریانس کل داشته‌اند.

پوررضایی بارنجی و بوزرجمهری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان (ارائه چهارچوب نظری موانع و چالش‌های توسعه کسب و کارهای نوپا در نواحی روستایی) دریافتند انعطاف‌پذیری کسب و کارهای نوپا و کوچک، توانایی شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌ها در شرایط مختلف بازار، فراهم می‌کند. با توجه به چالش‌های روزافزون نواحی روستایی که عمدتاً ریشه در ناکارآمدی بنیان‌های اقتصادی این مناطق دارد، توسعه کسب و کارهای نوپا از جایگاه قابل توجهی برای تقویت و تحریک موتور اقتصادی این نواحی برخوردار است.

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که عوامل مختلفی در توسعه کارآفرینی روستایی سد راه هستند؛ مانند اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و غیره که ممکن است بر میزان مشکلات تأثیر مستقیم و غیرمستقیم داشته باشند. در هریک از مطالعات پیشین به نحوی از این عوامل استفاده شده و از زاویه متفاوتی به آن پرداخته شده است. آنچه این مطالعه را از سایر مطالعات متمایز می‌کند این است که مشکلات و موانعی که مستقیم

هدفمند در سطح جامعه و دربرگیرنده زیرگروههای مختلف جمعیتی از نظر سن، جنسیت، تحصیلات، سابقه فعالیت می‌باشند که ویژگی‌های دموگرافی آن‌ها در شکل ۱ آورده شده است.

در این نوع نمونه‌گیری، برای تعیین حجم نمونه از معیار اشباع داده‌ها استفاده شد. بدین ترتیب که هرگاه پژوهشگر به این نتیجه برسد که پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به همدیگر شباهت دارند و داده‌های جدیدی به دست نمی‌دهد، تعداد مصاحبه‌ها را کافی دانسته و مصاحبه را متوقف می‌کند که در تحقیق حاضر اشباع نظری از مصاحبه ۲۱ مشاهده گردید، لیکن پژوهشگر به منظور اطمینان از کفایت داده‌ها تا مصاحبه ۲۵ فرایند مصاحبه را ادامه داد.

در پژوهش پدیدارشناسی، مصاحبه به‌عنوان روش اصلی جمع‌آوری داده‌ها محسوب می‌شود. در این پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پروتکل‌های مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با سؤالات باز انجام شد. برای مصاحبه‌شوندگان روش پژوهش و اهداف آن توضیح داده شد و رضایت آگاهانه برای شرکت در مصاحبه و ضبط مصاحبه کسب گردید. زمان و مکان مصاحبه با توجه به نظر شرکت‌کنندگان تعیین و در هنگام مصاحبه حرمت، شأن و آزادی عمل آنان حفظ شد. مدت‌زمان مصاحبه برای هریک از مصاحبه‌شوندگان به‌طور میانگین ۴۰ دقیقه طول کشید. در مصاحبه‌ها، پژوهشگران باهدف کسب اطلاعات از طریق نفوذ به لایه‌های عمیق ذهن مشارکت‌کنندگان، نخست چند پرسش کلی باز پرسیده شد که عبارت بود از موانع سازمانی پیش روی کارآفرینان که تجربه کرده‌اید کدامند؟ مشکلاتی که از محیط اطراف بر کارآفرینان تحمیل می‌شود کدامند؟ تجربه شما از مشکلات مربوط به نیروی انسانی کارآفرینی چیست؟ موانع و مشکلات اقتصادی در این حوزه چه مواردی هستند؟ چه حمایت‌هایی برای کارآفرینی لازم و ضروری است؟ کارآفرینان از جهت فناوری چه مشکلاتی دارند؟ در حین مصاحبه سعی شد سایر پرسش‌ها در جریان

مربوط به تجربه مدیران و کارشناسان شرکتهای تعاونی و کشاورزی است را معرفی می‌کند. در این راستا این پژوهش سعی دارد در عین توجه یکپارچه به تمام ابعاد موانع توسعه کارآفرینی روستایی به‌ویژه شرکتهای تعاونی و کشاورزی فعال، موانعی را که از نظر مدیران و کارشناسان این شرکت‌ها در توسعه کارآفرینی روستایی نقش دارند، شناسایی کند

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری اسمیت و همکاران^۱ انجام شده است. پدیدارشناسی مطالعه پدیده‌ها از هر نوع و توصیف آن‌ها با در نظر گرفتن نحوه بروز تجلی آن‌ها، قبل از هرگونه ارزش‌گذاری، تأویل و یا قضاوت ارزشی هست. تحلیل پدیدارشناسی تفسیری به دنبال شناخت الگوهایی در داده است که در چارچوبی نظری قرار می‌گیرند. تمرکز به روی تجربه افراد و درک آن‌ها از یک پدیده خاص است و دو هدف اصلی دارد: بررسی جزئیات چگونگی درک دیگری از یک تجربه زیسته و ارائه تفسیرهای دقیق برای درک آن تجربه (رودگامی^۲ و همکاران، ۲۰۱۴). این روش به دنبال شناخت پدیده از طریق درک تجربه واقعی افراد در زندگی روزمره است. از آنجاکه اساس پدیدارشناسی تجربه‌های زنده است، بنابراین در این تحقیق به واکاوی موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی روستایی در شرکتهای تعاونی و کشاورزی پرداختیم. جامعه پژوهش شامل کلیه مدیران و کارشناسان کارآفرین شرکتهای تعاونی و کشاورزی در سال ۱۴۰۱ که موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی را در این شرکت‌ها تجربه کرده‌اند می‌باشد. نمونه‌گیری به‌صورت

1- Smith

2- Roudgarmi

مصاحبه شکل بگیرد؛ به طوری که اهداف پژوهش را پوشش دهد همچنین، برحسب نیاز در ادامه مصاحبه سؤالات کاوشی مانند نظر شما راجع به موضوع چیست؟ و آیا می‌توانید در این مورد بیشتر توضیح دهید؟ نیز مطرح می‌گردید. سپس به طرح سؤالات دیگری بر اساس راهنمای مصاحبه و پاسخ مشارکت‌کنندگان می‌پرداختند.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

تعداد	متغیر	
۹	زن	جنسیت
۱۶	مرد	
۱۲	بین ۲۱ تا ۳۵ سال	سن
۹	بین ۳۶ تا ۵۰ سال	
۴	بالاتر از ۵۰ سال	
-	کمتر از دیپلم	تحصیلات
۱۳	کارشناسی	
۱۲	کارشناسی ارشد و بالاتر	
۲	بین ۱ تا ۳ سال	سابقه فعالیت
۸	بین ۳ تا ۵ سال	
۱۵	بیشتر از ۵ سال	
۲۵		جمع کل

بعدی؛ گام ششم: جست‌وجوی الگو و طرح در میان نتایج تحلیل نمونه‌ها (۳۱).

بدین صورت که پس از پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها، هر مصاحبه توسط محقق چندین بار مرور و فعالانه مورد قضاوت قرار گرفت. سپس مصاحبه‌ها به صورت خط به خط مطالعه و نکات اساسی شناسایی گردید. درون‌مایه‌هایی که مشخص‌کننده هر یک از نکات اساسی بود، تعیین و یک برچسب یا عنوان به آن تعلق گرفت. در مرحله بعد، درون‌مایه‌ها بر اساس ارتباطشان با یکدیگر در خوشه‌های مختلف قرار گرفتند و برای هر خوشه یک نام در نظر گرفته شد. به این ترتیب درون‌مایه‌های فرعی شکل گرفت. در انتها محقق به دنبال کشف الگوی مشترک میان درون‌مایه‌های استخراج‌شده و خوشه‌های شکل‌گرفته از مصاحبه‌های مختلف بود، اینکه کدام درون‌مایه غالب‌تر است و چگونه یک درون‌مایه به توضیح بیان مشارکت‌کنندگان می‌پردازد که موجب شکل‌گیری درون‌مایه‌های اصلی شد.

در پایان نیز از مصاحبه‌شونده خواسته می‌شد تا اگر هنوز صحبتی باقی مانده، بیان نماید. در ادامه به منظور انجام چرخه هرمنوتیکی و اجرای پدیدارشناسی تفسیری، پس از پایان هر مصاحبه پژوهشگران جهت تأیید نهایی محتوای درک شده از مصاحبه، خلاصه آن را با مصاحبه‌شونده، مرور می‌شد. مصاحبه‌ها در همان روز دست‌نویس شده و کدگذاری گردید. علاوه بر ضبط دیجیتال مصاحبه، از یادداشت‌برداری نیز جهت گردآوری داده‌ها استفاده شد.

داده‌های این مطالعه کیفی به روش تحلیل پدیدار شناختی تفسیری اسمیت و همکاران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از نظر اسمیت و همکارانش، مراحل انجام تحلیل پدیدارشناسی تفسیری به صورت گام به گام به شرح زیر است:

گام اول: خواندن و دوباره خواندن؛ گام دوم: یادداشت‌برداری اولیه؛ گام سوم: توسعه مضامین نمایان شده؛ گام چهارم: بررسی روابط میان مضامین؛ گام پنجم: تحلیل موارد و یا مشارکت‌کننده

قبل از شروع مصاحبه، شرکت کنندگان از اهداف و اهمیت تحقیق آگاه شدند و با رضایت آگاهانه در تحقیق شرکت نمودند. همچنین به شرکت کنندگان تأکید شد که مشخصات آنان در طول تحقیق و بعدازآن به صورت محرمانه حفظ می گردد.

نتایج

بر اساس درک و تجربه مدیران و کارشناسان کارآفرین شرکتهای تعاونی و کشاورزی از موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی روستایی و مطابق با دادههای کیفی گردآوری شده در مجموع ۱۰۵ کد اولیه، ۱۲ مؤلفه و ۵ بعد اصلی، استخراج و طبقه بندی شدند.

روایی این مطالعه بر مبنای سه معیار اعتبار (صرف زمان کافی و به کارگیری دو کدگذار جهت نمونه مصاحبه به منظور کسب اطمینان از یکسانی دیدگاه کدگذاران)، انتقال پذیری (مشورت با متخصصین در خصوص یافتههای پژوهش) و اطمینان پذیری مورد تأیید قرار گرفت. برای تضمین معتبر بودن، یافتههای این مطالعه به شرکت کنندگان ارائه شد و ایشان نظرات خود را در مورد هماهنگی یافتهها با تجربیات خود به پژوهشگر ابراز کردند، همچنین تعمق مشارکتی پیرامون مضمونهای پدیدار شده توسط پژوهشگر انجام شد. پژوهشگران با حفظ مستندات در تمام مراحل پژوهش قابلیت تأیید این پژوهش را تضمین نمودند. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی،

جدول ۲. تعیین مضامین و تمهای اصلی و فرعی پدیدارشناسی موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی روستایی

ابعاد	مؤلفه	کد
فرهنگ سازمانی		ضعف نگرش ساختاری به کارآفرینی روستایی، نبود توسعه فرهنگهای ریسک پذیر، عدم گرایش به رقابت طلبی، عدم اشتیاق به نوآوری، عدم کشف فرصت ها، عدم ارزش های حاکم بر سازمان، نبود فرهنگ نوآورانه، نبود مشارکت و ارتباطات موجود در محیط های روستایی، نبود ایجاد و تقویت روحیه مشارکت و همیاری در بین روستائیان، عدم توسعه فضای متمایز، نبود گرایش به رقابت طلبی، نبود تمایل به هدف گرایی، رفتار فرصت طلبانه.
فرهنگ محیط		نبود سیاست های تشویقی دولت در توسعه کارآفرینی روستایی، نبود اندیشه تعاون در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی روستا، نبود مشارکت روستائیان در اداره روستا و تصدی دولت، عدم پابندی به ارزش ها و هنجارها و نظام اجتماعی-اقتصادی و نبود خط مشی سیاسی و اجتماعی، مالیات، عدم ارزش های وابسته به رقابت و همکاری، عدم تقاضا برای محصولات، عدم رشد صنعتی، نبود پویایی، پیچیدگی و مشخصات صنعت موجود، عدم افزایش سریع رقبای جدید، افزایش مهاجرت روستائیان به شهرها.
کارکنان		نبود نیروهای متخصص و تحصیل کرده بومی و جوان، نبود اعتماد و انسجام مردمی، کاهش قدرت چانه زنی، عدم ارتباط انسان مداری، عدم خلاقیت، عدم افزایش و به روز کردن توانایی های کارکنان، عدم تجدید ایده های کلیدی، عدم وجود روحیه رقابت تهاجمی، عدم حمایت از کارکنان در سازمان، نبود علاقه مندی به تحقق فرصت ها و صبر در برابر مشکلات و ناکامی ها، عدم ارزیابی ریسک های فردی و شغلی و قبول یا رد آن ها، عدم تمایل به تیم سازی، عدم تحمل ابهام.
ساختار سازمانی	منابع مالی	تحریم های اقتصادی، محدودیت سرمایه، عدم دستیابی به صرفه جویی در مقیاس، عدم ادغام سرمایه گذاری ها، عدم تأمین مالی هزینه ها، عدم تخصیص منابع با توجه به مخاطرات و پاداش ها، کمبود ظرفیت ها و منابع محیط، عدم تخصیص منابع مانند زمان، عدم شناسایی راه های بالقوه تأمین منابع مالی، نبود مهارت های مالی و اقتصادی، نبود تسهیلات مالی جهت ارتقاء کیفیت تولیدات، نبود تسهیلات مالی جهت افزایش بهره وری، نبود تسهیلات مالی جهت ایجاد واحد در مناطق محروم، نبود تسهیلات مالی جهت رفع نیازهای نقدینگی، نبود تسهیلات مالی جهت خرید مواد اولیه و نبود تسهیلات مالی جهت صادرات تولیدات.
	حمایت آموزشی	عدم آموزش های سطوح مدیریت، عدم آموزش های مرتبط با استاندارد کردن محصولات و خدمات، عدم آموزش های مربوط به کنترل کیفی محصولات، عدم آموزش های اصول اداره شرکت، عدم آموزش های بازاریابی و صادرات، عدم آموزش های روش های تأمین سرمایه و آموزش مقررات تجاری و مالی.

	حمایت قانونی	عدم حمایت از بهبود فضای کسب و کار و اصلاح قوانین و مقررات مرتبط، عدم حمایت از توسعه فناوری، نبود اعطای معافیت‌های مالیاتی برای شرکت‌های تازه تأسیس و عدم حمایت قانونی برای ایجاد فرصت‌های صادراتی.
حمایت‌های مشاوره‌ای کارآفرینی	حمایت‌های مشاوره‌ای	نبود ارائه خدمات مشاوره مدیریت، نبود ارائه خدمات مشاوره مالی، نبود ارائه خدمات مشاوره تجاری، نبود ارائه خدمات مشاوره بازاریابی و نبود ارائه خدمات مشاوره حقوقی.
	حمایت‌های اطلاع‌رسانی	نبود خدمات اطلاع‌رسانی تجاری، نبود خدمات اطلاع‌رسانی مدیریت، نبود خدمات اطلاع‌رسانی و عدم معرفی فناوری‌های جدید به شرکت‌های تعاونی و عدم دسترسی آن‌ها به فناوری‌های جدید و به‌روز.
ساختار کارآفرینی	فناوری کارآفرینانه	عدم وجود تکنولوژی و فناوری اطلاعات سازگار با کارآفرینی، آشنایی کم به جستجو در اینترنت و تجارت الکترونیکی، عدم آگاهی دقیق به فنون و فناوری‌های تولید، نبود واحدهای مستقل و نیمه‌مستقل، عدم خلق فرصت‌های فناورانه، آشنایی کمتر با رایانه و مهارت کار با آن، اقدام و عمل کمتر به کارآفرینی در شرکت‌های تعاونی روستایی، شرکت کم در سمینارهای ویژه و آموزش‌های تخصصی.
	نوآوری در محصول	نبود محصول جایگزین، نبود روش‌های جدید تولید، نبود خلق و ایجاد محصولات و خدمات جدید، عدم پشتیبانی پروژه، عدم حمایت از توسعه عقاید، نبود تدوین برنامه کسب و کار جدید، شناسایی و پاسخگویی نامناسب به توسعه و تنوع و نبود رقابت‌طلبی.
مدیریت	ساختار مدیریت	عدم کنترل اجرایی، عدم ریسک‌پذیری، ضعیف بودن در پیگیری فرصت‌ها، نبود نظارت‌های رسمی، نبود مطلوبیت تغییر، عدم حمایت مدیریت، نبود فرایند تدوین راهبردها، ضعف سوابق مدیریتی، عدم دانش کافی مدیران.
	سبک مدیریت	نبود مشارکت در برنامه‌ریزی، نبود ارتباطات، عدم تصمیم‌گیری، نبود کار گروهی و سرپرستی، عدم تقویت روابط انسانی بین کارکنان، حس اعتمادی نسبت به شیوه‌های مدیریت سنتی در سازمان‌ها، فقدان مهارت‌های مدیریتی.
	فرهنگ سازمانی	ضعف نگرش ساختاری به کارآفرینی روستایی، نبود توسعه فرهنگ‌های ریسک‌پذیر، عدم گرایش به رقابت‌طلبی، عدم اشتیاق به نوآوری، عدم کشف فرصت‌ها، عدم ارزش‌های حاکم بر سازمان، نبود فرهنگ نوآورانه، نبود مشارکت و ارتباطات موجود در محیط‌های روستایی، نبود ایجاد و تقویت روحیه مشارکت و همیاری در بین روستائیان، عدم توسعه فضای متمایز، نبود گرایش به رقابت‌طلبی، نبود تمایل به هدف‌گرایی، رفتار فرصت‌طلبانه.
فرهنگ	فرهنگ محیط	نبود سیاست‌های تشویقی دولت در توسعه کارآفرینی روستایی، نبود اندیشه تعاون در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی روستا، نبود مشارکت روستائیان در اداره روستا و تصدی دولت، عدم پابندی به ارزش‌ها و هنجارها و نظام اجتماعی-اقتصادی و نبود خط‌مشی سیاسی و اجتماعی، مالیات، عدم ارزش‌های وابسته به رقابت و همکاری، عدم تقاضا برای محصولات، عدم رشد صنعتی، نبود پویایی، پیچیدگی و مشخصات صنعت موجود، عدم افزایش سریع رقبای جدید، افزایش مهاجرت روستائیان به شهرها.
	کارکنان	نبود نیروهای متخصص و تحصیل کرده بومی و جوان، نبود اعتماد و انسجام مردمی، کاهش قدرت چانه‌زنی، عدم ارتباط انسان‌مداری، عدم خلاقیت، عدم افزایش و به‌روز کردن توانایی‌های کارکنان، عدم تجدید ایده‌های کلیدی، عدم وجود روحیه رقابت‌تهدامی، عدم حمایت از کارکنان در سازمان، نبود علاقه‌مندی به تحقق فرصت‌ها و صبر در برابر مشکلات و ناکامی‌ها، عدم ارزیابی ریسک‌های فردی و شغلی و قبول یا رد آن‌ها، عدم تمایل به تیم‌سازی، عدم تحمل ابهام.
ساختار سازمانی	منابع مالی	تحریم‌های اقتصادی، محدودیت سرمایه، عدم دستیابی به‌صرفه جویی در مقیاس، عدم ادغام سرمایه‌گذاری‌ها، عدم تأمین مالی هزینه‌ها، عدم تخصیص منابع با توجه به مخاطرات و پاداش‌ها، کمبود ظرفیت‌ها و منابع محیط، عدم تخصیص منابع مانند زمان، عدم شناسایی راه‌های بالقوه تأمین منابع مالی، نبود مهارت‌های مالی و اقتصادی، نبود تسهیلات مالی جهت ارتقاء کیفیت تولیدات، نبود تسهیلات مالی جهت افزایش بهره‌وری، نبود تسهیلات مالی جهت ایجاد واحد در مناطق محروم، نبود تسهیلات مالی جهت رفع نیازهای نقدینگی، نبود تسهیلات مالی جهت خرید مواد اولیه و نبود تسهیلات مالی جهت صادرات تولیدات.
	حمایت آموزشی	عدم آموزش‌های سطوح مدیریت، عدم آموزش‌های مرتبط با استاندارد کردن محصولات و خدمات، عدم آموزش‌های مربوط به کنترل کیفی محصولات، عدم آموزش‌های اصول اداره شرکت، عدم آموزش‌های بازاریابی و صادرات، عدم آموزش‌های روش‌های تأمین سرمایه و آموزش مقررات تجاری و مالی.
	حمایت قانونی	عدم حمایت از بهبود فضای کسب و کار و اصلاح قوانین و مقررات مرتبط، عدم حمایت از توسعه فناوری، نبود اعطای معافیت‌های مالیاتی برای شرکت‌های تازه تأسیس و عدم حمایت قانونی برای ایجاد فرصت‌های صادراتی.
حمایت‌های مشاوره‌ای	حمایت‌های مشاوره‌ای	نبود ارائه خدمات مشاوره مدیریت، نبود ارائه خدمات مشاوره مالی، نبود ارائه خدمات مشاوره تجاری، نبود ارائه خدمات مشاوره بازاریابی و نبود ارائه خدمات مشاوره حقوقی.

کارآفرینی	حمایت‌های اطلاع‌رسانی	نبود خدمات اطلاع‌رسانی تجاری، نبود خدمات اطلاع‌رسانی مدیریت، نبود خدمات اطلاع‌رسانی و عدم معرفی فناوری‌های جدید به شرکت‌های تعاونی و عدم دسترسی آن‌ها به فناوری‌های جدید و به‌روز.
فناوری کارآفرینانه	ساختار کارآفرینی	عدم وجود تکنولوژی و فناوری اطلاعات سازگار با کارآفرینی، آشنایی کم به جستجو در اینترنت و تجارت الکترونیکی، عدم آگاهی دقیق به فنون و فناوری‌های تولید، نبود واحدهای مستقل و نیمه‌مستقل، عدم خلق فرصت‌های فناورانه، آشنایی کمتر با رایانه و مهارت کار با آن، اقدام و عمل کمتر به کارآفرینی در شرکت‌های تعاونی روستایی، شرکت کم در سمینارهای ویژه و آموزش‌های تخصصی.
مدیریت	سبک مدیریت	نبود محصول جایگزین، نبود روش‌های جدید تولید، نبود خلق و ایجاد محصولات و خدمات جدید، عدم پشتیبانی پروژه، عدم حمایت از توسعه عقاید، نبود تدوین برنامه کسب‌وکار جدید، شناسایی و پاسخگویی نامناسب به توسعه و تنوع و نبود رقابت‌طلبی.
مدیریت	سبک مدیریت	عدم کنترل اجرایی، عدم ریسک‌پذیری، ضعف بودن در پیگیری فرصت‌ها، نبود نظارت‌های رسمی، نبود مطلوبیت تغییر، عدم حمایت مدیریت، نبود فرایند تدوین راهبردها، ضعف سوابق مدیریتی، عدم دانش کافی مدیران.
مدیریت	سبک مدیریت	نبود مشارکت در برنامه‌ریزی، نبود ارتباطات، عدم تصمیم‌گیری، نبود کار گروهی و سرپرستی، عدم تقویت روابط انسانی بین کارکنان، حس اعتمادی نسبت به شیوه‌های مدیریت سنتی در سازمان‌ها، فقدان مهارت‌های مدیریتی.

در محیط‌های روستایی و نبود تقویت روحیه مشارکت و همیاری در بین روستائیان از موانع مهم هستند».

شرکت‌کننده شماره ۸: «نبود سیاست‌های تشویقی دولت برای کارآفرینان و عدم مشارکت روستائیان در اداره روستا و افزایش مهاجرت روستائیان به شهرها از موانع عمده کارآفرینی می‌باشند».

شرکت‌کننده شماره ۱۲: «اگر کارآفرین، نگرش به کارآفرینی روستایی‌اش از لحاظ ساختاری ضعیف باشد و رفتار فرصت‌طلبانه‌ای نداشته باشد و از طرف دیگر تعاون در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی نباشد از بزرگ‌ترین موانع است».

شرکت‌کننده شماره ۲۳: «عدم اشتیاق به نوآوری و عدم کشف فرصت‌ها از سوی کارآفرینان و عدم روحیه مشارکت و همیاری در بین روستائیان موانع مهمی می‌باشند».

(۲) ساختار سازمانی: از دیگر بعدهای موانع اصلی استخراج‌شده، ساختار سازمانی می‌باشد. بنا به دلایلی چون کارکنان (عدم تجدید ایده‌های کلیدی، عدم وجود روحیه رقابت تهاجمی و غیره) و منابع مالی (محدودیت سرمایه، عدم دستیابی به صرفه جویی در مقیاس، عدم ادغام سرمایه‌گذاری‌ها، عدم

از تحلیل داده‌های مستخرج از مصاحبه با شرکت‌کنندگان در موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی روستایی به شرح تفسیری ۵ بعد اصلی به دست آمده می‌پردازد:

(۱) فرهنگ: یکی از بعدهای اصلی که به صورت مکرر در مصاحبه‌ها به آن اشاره شد، مانع فرهنگی بود. از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرعی این بعد اصلی عوامل فرهنگ‌سازمانی (با مضامین ضعف نگرش ساختاری به کارآفرینی روستایی، نبود توسعه فرهنگ‌های ریسک‌پذیر، عدم گرایش به رقابت‌طلبی، عدم اشتیاق به نوآوری و غیره)، فرهنگ محیط (با مضامین نبود سیاست‌های تشویقی دولت در توسعه کارآفرینی روستایی، نبود اندیشه تعاون در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی روستا و غیره) است. تجربه مشارکت‌کنندگان بیانگر آن است که موانع حاصله از توسعه کارآفرینی روستایی، پیامدهای فرهنگی متعددی برای مدیران و کارآفرینان داشته، به طوری که نشان‌دهنده آن است که توسعه کارآفرینی روستایی در این دوران متأثر از مباحث فرهنگی است و عوارض بیشتری شامل حال مدیران و کارشناسان کارآفرین شده است.

شرکت‌کننده شماره ۳، بیان کرد: «نداشتن فرهنگ ریسک‌پذیری نداشته و عدم وجود مشارکت و ارتباطات موجود

تأمین مالی هزینه‌ها و غیره)، است که از مهم‌ترین موانع پیش روی کارآفرینان روستایی می‌باشد.

شرکت‌کننده شماره ۱: «تحریم‌های اقتصادی و به سبب آن افزایش قیمت ارز و عدم وجود سرمایه کافی، عدم تأمین مالی هزینه‌ها، عدم تخصیص منابع با توجه به مخاطرات و پاداش‌ها از موانع اقتصادی کارآفرینان روستایی می‌باشند».

شرکت‌کننده شماره ۵: «مشکل شناسایی راه‌های بالقوه تأمین منابع مالی، کمبود مهارت‌های مالی و اقتصادی، عدم تسهیلات مالی جهت ارتقاء کیفیت تولیدات از موانع اقتصادی خلاق می‌باشند».

شرکت‌کننده شماره ۱۳: «کم بودن آموزش‌های سطوح مدیریت، نبود آموزش‌های مرتبط با استاندارد کردن محصولات و خدمات، عدم آموزش‌های مربوط به کنترل کیفی محصولات از عوامل آموزشی موانع کارآفرینی می‌باشند».

شرکت‌کننده شماره ۹: «نبود آموزش‌های بازاریابی و صادرات، نبود آموزش روش‌های تأمین سرمایه و آموزش مقررات تجاری و نبود تسهیلات مالی جهت ایجاد واحد در مناطق محروم از برخی موانع می‌باشند».

۳) حمایت‌های کارآفرینی: یکی دیگر از بعدها اصلی استخراج‌شده از مصاحبه شرکت‌کنندگان پیرامون موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی، حمایت‌های کارآفرینی است. که با سه مؤلفه فرعی حمایت قانونی (عدم حمایت از بهبود فضای کسب‌وکار و اصلاح قوانین و مقررات مرتبط و غیره)، حمایت مشاوره‌ای (نبود ارائه خدمات مشاوره مدیریت، نبود ارائه خدمات مشاوره مالی و غیره) و حمایت اطلاع‌رسانی (نبود خدمات اطلاع‌رسانی تجاری، نبود خدمات اطلاع‌رسانی مدیریت و غیره) هست.

شرکت‌کننده شماره ۱: «عدم حمایت از بهبود فضای کسب‌وکار و اصلاح قوانین و مقررات مرتبط، عدم حمایت از

توسعه فناوری، از موانع مهمی به نظر من می‌باشد. نبود و عدم ارائه خدمات مشاوره مدیریت، و نبود حمایت‌های مالی از سایر مشکلات پیش رو است».

شرکت‌کننده شماره ۹: «نبود اعطای معافیت‌های مالیاتی برای شرکت‌های تازه تأسیس و عدم حمایت قانونی برای ایجاد فرصت‌های صادراتی از موانع توسعه کارآفرینی در کنار نبود ارائه خدمات مشاوره بازاریابی و نبود ارائه خدمات مشاوره حقوقی بوده است».

شرکت‌کننده شماره ۱۵: «از مشکل نبود خدمات اطلاع‌رسانی تجاری، مشکل نبود خدمات اطلاع‌رسانی مدیریت، نبود خدمات اطلاع‌رسانی و عدم معرفی فناوری‌های جدید به شرکت‌های تعاونی و عدم دسترسی آن‌ها به فناوری‌های جدید و به‌روز از مهم‌ترین موانع حوزه حمایت‌های کارآفرینی می‌باشد».

۴) ساختار فنی: یکی دیگر از بعدها اصلی

استخراج‌شده از مصاحبه شرکت‌کنندگان پیرامون موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی، ساختار فنی است. که با دو مؤلفه فرعی فناوری کارآفرینانه (عدم وجود تکنولوژی و فناوری اطلاعات سازگار با کارآفرینی، آشنایی کم به جستجو در اینترنت و تجارت الکترونیکی و غیره)، نوآوری در محصول (نبود محصول جایگزین، نبود روش‌های جدید تولید، نبود خلق و ایجاد محصولات و خدمات جدید و غیره) هست.

شرکت‌کننده شماره ۷: «نبود تکنولوژی و فناوری اطلاعات سازگار با کارآفرینی، مهارت کم در جستجو در اینترنت و تجارت الکترونیکی و نبود روش‌های جدید تولید از مهم‌ترین موانع ساختاری هستند».

شرکت‌کننده شماره ۲۳: «نبود علم دقیق به فنون و فناوری‌های تولید، عدم خلق فرصت‌های فناورانه، عدم وجود برنامه‌ریزی فناورانه و در کنار آن عدم حمایت از توسعه عقاید، نبود تدوین برنامه کسب‌وکار جدید، شناسایی و پاسخگویی

نامناسب به توسعه و تنوع از موانع مهم توسعه کارآفرینی روستایی در زمینه کارآفرینی هستند».

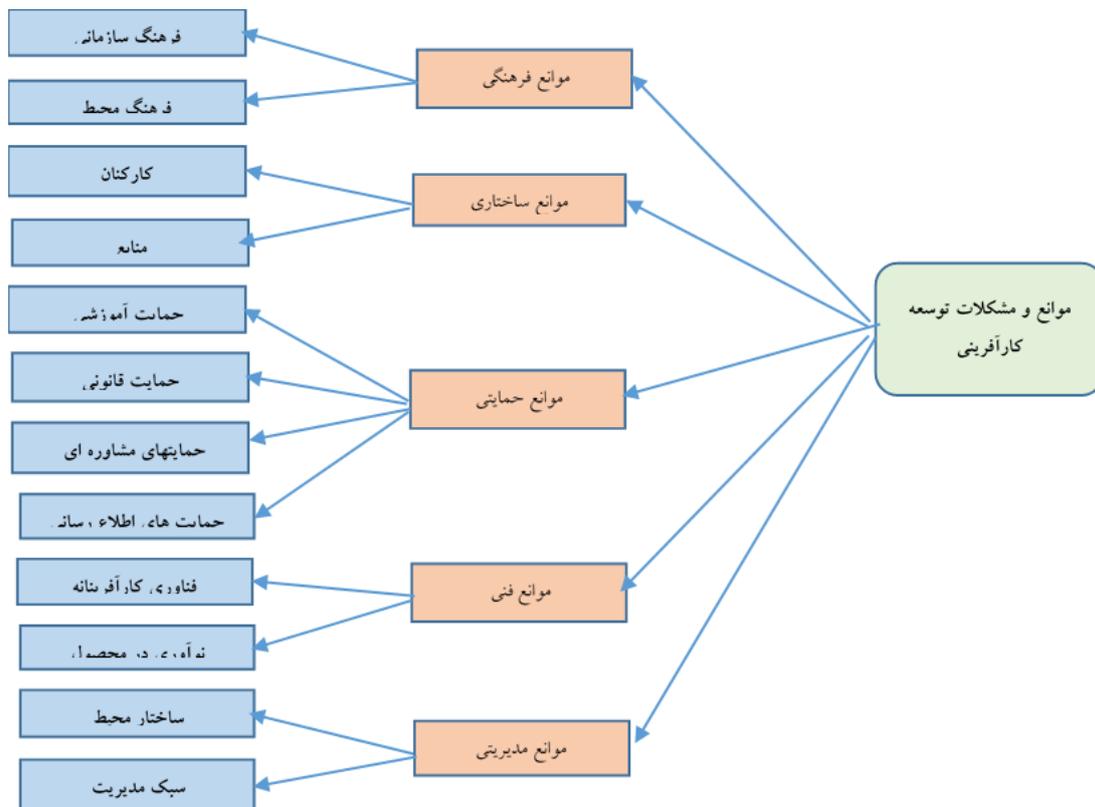
شرکت کننده شماره ۲۵: «آشنایی کمتر با رایانه و مهارت کار با آن، اقدام و عمل کمتر به کارآفرینی در شرکتهای تعاونی روستایی و نبود انتخاب و طراحی تولید یا خدمات، نبود رقابت طلبی، نبود قابلیت دسترسی منابع از موانع کارآفرینی روستایی هستند».

۵) مدیریت: از بعدهاى اصلی استخراج شده از مصاحبه شرکت کنندگان پیرامون موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی، مدیریت است. که با دو مؤلفه فرعی ساختار مدیریت (عدم کنترل اجرایی، عدم ریسک پذیری، ضعیف بودن در پیگیری فرصتها، نبود نظارت های رسمی و غیره)، سبک مدیریت (نبود مشارکت در برنامه ریزی، نبود ارتباطات، عدم تصمیم گیری، نبود

کار گروهی و سرپرستی و غیره) هست.

شرکت کننده شماره ۶: «نبود مشارکت در برنامه ریزی، نبود ارتباطات، عدم تصمیم گیری از مهم ترین موانع مدیریتی هستند»
شرکت کننده شماره ۱۰: «حمایت نکردن مدیریت عالی، نبود فرایند تدوین راهبردها و نبود حس اعتماد نسبت به شیوه های مدیریت سنتی در سازمانها از موانع مهم توسعه کارآفرینی روستایی در زمینه مدیریتی هستند».

شرکت کننده شماره ۲۴: «عدم تقویت روابط انسانی بین کارکنان، ضعف سوابق مدیریتی و عدم دانش کافی مدیران از موانع کارآفرینی روستایی هستند»
در نهایت مدل به دست آمده از مصاحبه با مدیران و کارشناسان کارآفرین شرکتهای تعاونی و کشاورزی در شکل ۱ آورده شده است:



شکل ۱. مدل موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی روستایی (منبع: یافته های پژوهش)

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف تبیین موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی روستایی در شرکت‌های تعاونی و کشاورزی انجام گرفت؛ بنابراین، نتایج آن می‌تواند در زمینه توسعه کارآفرینی روستایی کاربردی باشد. پژوهشگر در این مطالعه به دنبال الگوسازی یا تشریح مؤلفه‌ها و ابعاد توسعه کارآفرینی روستایی نبود؛ بلکه هدف، تبیین موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی روستایی در شرکت‌های تعاونی و کشاورزی بود که بر این اساس پژوهشگر با نمونه‌گیری هدفمند مصاحبه‌ها را با ۲۵ نفر از مدیران و کارشناسان کارآفرین شرکت‌های تعاونی و کشاورزی در سال ۱۴۰۱ تا حد رسیدن به اشباع انجام داده و با رویکرد پدیدارشناسی اسمیت و همکاران به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته هست.

بر اساس یافته‌ها، پنج مضمون اصلی؛ فرهنگ، ساختار سازمانی، حمایت‌های کارآفرینی، ساختار کارآفرینی و مدیریت در موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی روستایی وجود دارد. اولین مضمون موانع فرهنگی توسعه کارآفرینی روستایی ناشی از حاکمیت فرهنگ دلالی و واسطه‌گری، نبود فرهنگ کارگروهي و تیمی و نبود فرهنگ‌سازی مناسب در زمینه‌ی کارآفرینی در سطح دانشگاه (جوهری و کریمی، ۱۳۹۲)، نبود توسعه فرهنگ‌های ریسک‌پذیر، نبود ایجاد و تقویت روحیه مشارکت و همیاری در بین روستائیان، نبود اندیشه تعاون در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی روستا، نبود مشارکت روستائیان در اداره روستا و تصدی دولت، افزایش مهاجرت روستائیان به شهرها و بسیاری از عوامل فرهنگی دخیل دیگر می‌باشد.

این یافته با نتایج مطالعات پژوهشگران همچون جوهری و کریمی (۱۳۹۲)، بوچیو و همکاران (۲۰۲۱)، اشراقی سامانی و همکاران (۱۳۹۵) و سادیکی و همکاران (۲۰۲۰) همسویی دارد

ولی با یافته‌های ننگوماشا^۱ (۲۰۱۸) و خان (۲۰۲۲) مطابقت ندارد.

طبق یافته‌های کیفی دومین مضمون اصلی ساختار سازمانی است. دربرگیرنده موانع ساختاری سازمانی مانند نبود نیروهای متخصص و تحصیل کرده بومی، نبود اعتماد و انسجام مردمی، کاهش قدرت چانه‌زنی، عدم ارتباط انسان‌مداری، عدم خلاقیت، تحریم‌های اقتصادی، محدودیت سرمایه، عدم دستیابی به صرفه جویی در مقیاس، عدم ادغام سرمایه‌گذاری‌ها، عدم تأمین مالی هزینه‌ها و بسیاری عوامل دیگر هست که در زمره عوامل ساختاری طبقه‌بندی شده‌اند که رفتار کارآفرینانه (کشف فرصت‌ها، تسهیل فرصت‌ها، دنبال کردن فرصت) را تشویق می‌کند. در همه مدلهای مفهومی کارآفرینی سازمانی که به‌وسیله محققان طراحی شده است، ساختار سازمانی یکی از عوامل اصلی پیش‌برنده کارآفرینی سازمانی است (زیویار و همکاران، ۱۳۹۶). این یافته با حاصل پژوهش‌های خان (۲۰۲۲)، بوچیو و همکاران (۲۰۲۱)، دهمرده و داورپناه (۱۳۹۹) و پناهی و همکاران (۱۳۹۵) مطابقت دارد و شاید به جرت بتوان گفت تنها عاملی است که تمامی مدیران و کارشناسان در این مورد اتفاق نظر کلی دارند.

سومین مضمون اصلی در موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی دربرگیرنده، عدم حمایت‌های کارآفرینی است. نقش دولت‌ها به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه در حمایت از کارآفرینان در ایجاد تسهیلات و خدمات اولیه و فراهم آوردن انگیزه‌ها و اعطای امتیازات لازم است که می‌تواند فعالیتهای کارآفرینی را تسهیل نماید. از این رو حمایت‌های دولتی به‌عنوان مؤثرترین عامل رشد کارآفرینی به حساب می‌آیند. مانند عدم حمایت از توسعه فناوری، نبود اعطای معافیت‌های مالیاتی

پژوهشگران بوچیو و همکاران (۲۰۲۱) و اشراقی سامانی و همکاران (۱۳۹۵) و سادیکی و همکاران (۲۰۲۰) همسویی دارد ولی با یافته‌های ننگوماشا (۲۰۱۸) و پوررضایی بارنجی و بوزرجمهری (۱۴۰۰) مطابقت ندارد.

به صورت کلی بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان استنباط کرد که چندین مانع بر عملکرد شرکت‌های تعاونی و کشاورزی که عمدتاً جزء شرکت‌های کوچک و متوسط کارآفرین هستند تأثیر می‌گذارد. عواملی که باعث شکست این شرکت‌ها می‌شوند، موانع فرهنگی، اقتصادی، زیرساخت‌ها، مدیریت و موانع حمایت‌های کارآفرینی هستند. کمبود بودجه برای راه‌اندازی یا تأسیس شرکت‌های تعاونی و کشاورزی کارآفرین جدید مانع اصلی موفقیت آن‌هاست. نرخ بالای بهره وام‌ها و الزامات وثیقه تحمیل شده توسط مؤسسات مالی در برابر وام‌ها، مانع اصلی رشد شرکت‌های تعاونی و کشاورزی است. قوانین و مقررات سختگیرانه مؤسسات مالی و دولت‌ها در رابطه با وام، مالکان را از جستجوی سرمایه برای تجارت خود منصرف می‌کند. نرخ تورم در کشور تأثیر منفی بر کسب‌وکار کارآفرینی شرکت‌های تعاونی و کشاورزی دارد. اگر هر کشوری با دوره تورم مواجه شود، مردم آن از خرید کالاها و خدمات اجتناب می‌کنند، زیرا نرخ تورم بر قدرت خرید آن‌ها تأثیر می‌گذارد. از این رو، وضعیت اقتصادی کشور به طور قابل توجهی بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط کارآفرین تأثیر می‌گذارد. بنابراین، دولت باید به شرکت‌های تعاونی و کشاورزی کمک کند تا در دوران رکود، تجارت خود را تقویت کنند. این مطالعه همچنین تأیید می‌کند که عدم مهارت‌های مدیریت تأثیر مثبتی بر شکست شرکت‌های تعاونی و کشاورزی کارآفرینی دارد که اکثراً توسط مالکانی اداره می‌شوند که دانش کمی از مدیریت دارند که منجر به شکست کسب‌وکار می‌شود. این مالکان هیچ‌دانشی از مدیریت ندارند و از قوانین و مقررات مربوط به شرکت‌های تعاونی و کشاورزی آگاهی ندارند. فقدان دانش تجاری مناسب

برای شرکت‌های تازه تأسیس، نبود ارائه خدمات مشاوره مالی، نبود ارائه خدمات مشاوره تجاری، نبود خدمات اطلاع‌رسانی و عدم معرفی فناوری‌های جدید به شرکت‌های کشاورزی و تعاونی و عدم دسترسی آن‌ها به فناوری‌های جدید و به روز نمونه‌هایی از آن هستند. این یافته با حاصل پژوهش‌های خان (۲۰۲۲)، دهمرده و داورپناه (۱۳۹۹) و پناهی و همکاران (۱۳۹۵) مطابقت دارد ولی با یافته‌های ننگوماشا (۲۰۱۸) و پوررضایی بارنجی و بوزرجمهری (۱۴۰۰) و اشراقی سامانی و همکاران (۱۳۹۵) همسو نمی‌باشد.

چهارمین تم اصلی در موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی دربرگیرنده شامل ساختار کارآفرینی است. افراد تمایل دارند از مهارت‌های به دست آمده برای پیگیری ابتکار کارآفرینی استفاده کنند. نداشتن مهارت و دانش مناسب یکی دیگر از موانع کارآفرینی است مانند عدم وجود تکنولوژی و فناوری اطلاعات سازگار با کارآفرینی، آشنایی کم به جستجو در اینترنت و تجارت الکترونیکی، عدم خلق فرصت‌های فناورانه، عدم وجود برنامه‌ریزی فناورانه و امکان‌سنجی، تدوین برنامه کسب‌وکار جدید، شناسایی و پاسخگویی نامناسب به توسعه و تنوع و بسیاری عوامل دیگر هستند. یافته‌های تحقیق با حاصل پژوهش‌های و سادیکی و همکاران (۲۰۲۰)، خان (۲۰۲۲) و دهمرده و داورپناه (۱۳۹۹) مطابقت دارد ولی با یافته‌های ننگوماشا (۲۰۱۸) و اشراقی سامانی و همکاران (۱۳۹۵) همسو نمی‌باشد.

پنجمین مضمون اصلی در موانع و مشکلات توسعه کارآفرینی دربرگیرنده شامل موانع مدیریتی است. عدم کنترل اجرایی، عدم ریسک‌پذیری، ضعیف بودن در پیگیری فرصت‌ها، نبود نظارت‌های رسمی، نبود مطلوبیت تغییر، نبود مشارکت در برنامه‌ریزی، نبود ارتباطات، عدم تصمیم‌گیری، نبود کار گروهی و سرپرستی، عدم تقویت روابط انسانی بین کارکنان تنها نمونه‌هایی از موانع مدیریتی هستند. این یافته با نتایج مطالعات

کارآفرین یارانه بدهد تا آن‌ها را تسکین دهد. علاوه بر این، دولت باید تورم را در سطح پایین نگه دارد، در غیر این صورت بر هر نوع کسب‌وکاری تأثیر می‌گذارد. مدیران باید در کسب‌وکارها آموزش ببینند. کارگاه‌ها و سمینارها باید توسط سازمان‌های مختلف ترتیب داده شود تا دانش مهارت‌های مدیریتی مانند ثبت سوابق، بازاریابی و حسابداری را به آن‌ها بدهد تا به آن‌ها کمک کند تا کسب‌وکار خود را به صورت روزانه مدیریت کنند. این مهارت‌ها عملکرد کلی شرکت‌های تعاونی و کشاورزی کارآفرین را افزایش می‌دهد. صاحبان این شرکت‌ها همچنین می‌توانند پیشنهادهایی از شرکت‌های معتبرتر در مورد نحوه انجام کسب‌وکار خود دریافت کنند و مدیریت باید افراد ماهر، قابل اعتماد و تحصیل کرده را برای اداره تجارت خود استخدام کند.

این پژوهش نیز همچون سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی استفاده از نمونه‌گیری غیر تصادفی و محدود کردن جامعه پژوهش به مدیران و کارشناسان شرکت‌های تعاونی و روستایی روبرو بود. بنابراین در تعمیم نتایج احتیاط باید صورت گیرد.

۱۳۹۸. طراحی مدل توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی با استفاده از روش معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی (مورد مطالعه: شهر یزد). فصلنامه پژوهشی گردشگری و توسعه ۸(۲)، ۱۰۴-۸۳
doi: 10.22034/jtd.2019.190606.1771
رضایی، ر. ۱۳۹۳. بررسی نقش و جایگاه کارآفرینی در توسعه تعاونی‌های روستایی. مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی، ۱(۱)، ۸۵-۹۲
doi: 20.1001.1.24767735.1393.1.1.5.0

در نتیجه منجر به شکست کسب‌وکار می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که عدم توسعه مناسب زیرساخت‌ها در کشور نیز عامل شکست شرکت‌های تعاونی و کشاورزی است که تأثیر منفی بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط کارآفرین دارد. همه این سیستم‌های زیرساختی ضعیف به هزینه تولید کالاها و خدمات می‌افزایند که منجر به شکست شرکت‌های تعاونی و کشاورزی می‌شود.

مانع مالی کلید شکست شرکت‌های تعاونی و کشاورزی است، زیرا می‌دانیم که شرکت‌های کوچک و متوسط کارآفرین همیشه به دنبال تأمین مالی برای برآوردن نیازهای خود هستند. برای رفع موانع مالی، مدیر یا مالک بنگاه باید سعی کند وام‌های ارزان و کم‌بهره را از مؤسسات مالی و بانک‌ها دریافت کند. پس‌انداز شخصی نیز انتخاب خوبی است یا قرض گرفتن از دوستان و اقوام و مشکلات مالی با دریافت پیش‌پرداخت از مشتریان قابل حل است. همچنین توصیه می‌شود وضعیت اقتصادی کشور بر عملکرد شرکت‌های تعاونی و کشاورزی کارآفرین تأثیر منفی می‌گذارد و زمانی که نرخ تورم افزایش می‌یابد، ساکنان تنها می‌توانند نیازهای اولیه خود را تأمین کنند، دولت باید در چنین مواقعی به شرکت‌های کوچک و متوسط

منابع

اشراقی سامانی، ر.، کریمی، ط.، واحدی، م.، و صیده، ط. (۱۳۹۵). چالش‌های کارآفرینی روستایی در استان ایلام. راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی، ۳(۵)، ۵۷-۶۳
میرفردی، الف.، احمدی، س.، رستمی، ج. ۱۳۹۶. بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در عملکرد شرکت‌های تعاونی کشاورزی و صنعتی شهرستان بویر احمد. جامعه‌شناسی کشاورزی، ۲۸(۴)، ۳۱-۵۲
doi: 10.22108/jas.2017.21704
باصولی، م.، هاشمی، س.، ایمانی خوشخو، م.، میرغفوری، س.

- مطالعه: دهستان غنی بیگلر، شهرستان زنجان. اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۳(۱)، ۱۷-۳. <http://serd.khu.ac.ir/article-fa.html%۱۹۴۹-%۱>
- Ayyagari, M., Beck, T., & Demircuc-Kunt, A. (2007). Small and medium enterprises across the globe. *Small Business Economics*, 29(4), 415-434. <https://doi.org/10.1007/s11187-006-9002-5>
- Biggs, T. 2002. Is Small Beautiful and Worthy of Subsidy? Literature Review, International Finance Corporation (IFC), Washington, DC, 1-35.
- Bouichou, E. H., Abdoulaye, T., Allali, K., Bouayad, A., & Fadlaoui, A. (2021). Entrepreneurial intention among rural youth in Moroccan agricultural cooperatives: The future of rural entrepreneurship. *Sustainability*, 13(16), 1-20. <https://doi.org/10.3390/su13169247>
- Charity, E. N., & Igwe, J. N. V. (2016). Business studies teachers' perception of effective strategies for teaching business studies in promoting national sustainable development. *Journal of Emerging trends in educational research and policy studies*, 7(3), 217-225. <https://hdl.handle.net/10520/EJC196813>
- Chirwa, E. W. (2008). Effects of gender on the performance of micro and small enterprises in Malawi. *Development Southern Africa*, 25(3), 347-362. <https://doi.org/10.1080/03768350802212139>
- De, P. K., & Nagaraj, P. 2014. Productivity and firm size in India. *Small Business Economics*, 42(4), 891-907. <https://doi.org/10.1007/s11187-013-9504-x>
- Elattir, M., Allame, Y. K., & Tihm, Y. (2016). Women's economic empowerment in Morocco: The case of social entrepreneurship. *Women's*
- سرمست، ک. ۱۳۹۰. بررسی ظرفیت‌های اقتصادی اجتماعی تعاونی‌ها در برقراری توسعه پایدار، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۳(۸)، ۱۲۱-۱۵۱.
- رسولی آذر، س.، کیوانی فر، س.، رشید پور، ل. ۱۳۹۵. تحلیل عاملی موانع تعاونی‌های تولید کشاورزی شهرستان بوکان از دیدگاه اعضا، مجله تعاون و کشاورزی، ۵(۸)، ۱۰۷-۱۳۲. doi: 20.1001.1.27835464.1395.5.18.5.9
- پناهی، لیلای؛ پیشرو، حمداله؛ شاه قلی، محمدصادق. (۱۳۹۵). بررسی موانع کارآفرینی در مناطق روستایی شهرستان مرودشت در جهت کاهش بیکاری. *جغرافیایی سرزمین*، ۱۳(۵۰)، ۱۰۷-۱۲۰.
- دهمرد، مجید، & داورپناه، مجتبی. (۱۳۹۹). تحلیل موانع کارآفرینی روستایی در شهرستان زابل. *مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی*، ۷(۲)، ۴۵-۵۸. doi: 10.22069/jead.2021.18987.1467
- پوررضایی بارنجی، ز.، صادقلو، ط.، بوزرجمهری، خ. شهریور ۱۴۰۰. ارائه چهارچوب نظری موانع و چالش‌های توسعه کسب و کارهای نوپا در نواحی روستایی، چهارمین کنفرانس بین‌المللی توسعه علوم جغرافیا و گردشگری و توسعه پایدار ایران.
- جوهری، ه.، کریمی، الف. ۱۳۹۲. شناسایی عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی (مورد مطالعه: دانشکده های کشاورزی استان تهران). *توسعه کارآفرینی*، ۲۲(۶)، ۱۵۱-۱۶۸. doi: 10.22059/jed.2013.50805
- زیویار، ف.، فراهانی، الف.، کشاورز، ل. ۱۳۹۶. شناسایی موانع ساختاری کارآفرینی سازمانی در وزارت ورزش و جوانان. *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۱۵(۱)، ۱۸۷-۲۰۵. doi: 10.22059/jomc.2017.61282
- قدیری معصوم، م.، چراغی، م.، کاظمی، ن.، زارع، ز. ۱۳۹۳. تحلیل موانع توسعه کارآفرینی در نواحی روستایی مورد

- Ghana. *American Journal of Industrial and Business Management*, 6(5), 558-567. doi: 10.4236/ajibm.2016.65052.
- Okon, N. B., & Edet, T. E. 2016. Small and Medium Scale Business Enterprises as a Veritable Tool for Rural Development in Nigeria: Challenges and Prospects. *Journal of Educational Policy and Entrepreneurial Research*, 3(3), 87-97.
- Robert, J., & Sternberg, B. (2004). Successful intelligence as a basis for entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 19: 189–201. [https://doi.org/10.1016/S0883-9026\(03\)00006-5](https://doi.org/10.1016/S0883-9026(03)00006-5)
- Roudgarmi, P., & Akbarzadeh, A. 2014. Qualitative Research Approaches for Environmental Sciences: A review. *Journal of Environmental Science and Technology*, 16(1), 615-631.
- Sadiki Mutarushwa, J., Vwima, S., & Lebailly, P. 2020. Obstacles and Performance of Agribusiness Enterprises: Evidence from South-Kivu Eastern Democratic Republic of Congo. *Asian Social Science*, 16(11), 7-16.
- Smith, J. A., Jarman, M., & Osborn, M. (1999). Doing interpretative phenomenological analysis. *Qualitative health psychology: Theories and methods*, 1, 218-240.
- Stefanovic, R., Obradovic, S., Brocic, Z. 2012. Perspektive i razvojni izazovi preduzetnistva u poljoprivredno-prehrambenom sektoru Republike Srbije. *Učenje za poduzetnistvo*, Vol. 2, No. 2, pp. 371-380. <https://hrcak.srce.hr/130286>
- Movements in Post-“Arab Spring” North Africa*, 283-298. https://doi.org/10.1057/978-1-137-50675-7_19
- Emami Sigaroodi, A., Dehghan Nayeri, N., Rahnavard, Z., & Nori Saeed, A. 2012. Qualitative research methodology: phenomenology. *Journal of holistic nursing and midwifery*, 22(2), 56-63.
- Herrera, S. and Kouame, W. (2017). Productivity in the non-oil sector in Nigeria: firm-level evidence, *World Bank Policy Research Working Paper*, 1-36. <https://ssrn.com/abstract=3006219>
- Khan, M. A. 2022. Barriers constraining the growth of and potential solutions for emerging entrepreneurial SMEs. *Asia Pacific Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 16(1), 38-50. <https://doi.org/10.1108/APJIE-01-2022-0002>
- Lerner, D. A., Hunt, R. A., & Dimov, D. 2018. Action! Moving beyond the intendedly-rational logics of entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 33(1), 52-69. <https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2017.10.002>
- Nengomasha, M. C. 2018. *Entrepreneurial intentions and perceived access to finance: The role of entrepreneurial self-efficacy (Doctoral dissertation, University of the Free State)*. 1-176. <http://hdl.handle.net/11660/9923>
- Njegomir, V., Pejanović, L., & Keković, Z. (2017). Agricultural entrepreneurship, environmental protection and insurance. *Економика пољопривреде*, 64(3), 1035-1047.
- Ntiamoah, E. B., Li, D., & Kwamega, M. 2016. Impact of government and other institutions' support on performance of small and medium enterprises in the agribusiness sector in